

رویدادهای مهم در کتاب اعمال رسولان

نویسنده: گرانت

این کتاب بلافاصله پس از ۴ انجیل قرار دارد. اناجیل با وجود تفاوت هایشان همه یک چیز را شهادت می دهند و آن زندگی و شخصیت باشکوه عیسی مسیح خداوند است. آنها نشان می دهند که چطور مسیح بر روی جلجتا فدیة شد ، از میان مرگان قیام کرده و به آسمان صعود نمود. آنها تغییرات شگفت انگیزی را در روش ها و تدبیرهای خدا نشان می دهند . بنابراین اعمال رسولان کتاب تغییر از یک مرحله به مرحله دیگر است. این کتاب نشان می دهد که چطور حاکمیت شریعت به تدریج ولی قاطعانه ، جای خود را به " تدبیر فیض خدا " (افسسیان ۲:۳) می دهد. شاید ما به دنبال نکات کلیدی و مهمی هستیم که مربوط به زندگی ما در این دوره از زمان می باشند. بیایید به بعضی از این نکات برجسته توجه کنیم.

۱) نزول روح خدا (اعمال باب ۲)

غیر ممکن بود که روح خدا بتواند در کسانی که تحت شریعت زندگی می کردند ، به آرامی ساکن شود. " زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند." (غلاطیان ۳:۱۰). روح القدس نمی توانست تا قبل از اینکه مسیح بمیرد ، قیام کند و جلال یابد، بیاید. همانطور که یوحنا در ۳۹:۷ این موضوع را بیان کرده است. ولی در روز پنطیکاست زمانی که شاگردان در یک جا جمع شده بودند، آوازی چون صدای وزیدن باد شدید خانه را پر ساخت و زبانه های منقسم شده مثل زبانه های آتش بر هر یک از ایشان قرار گرفت. (آیه ۳) در همان لحظه معجزه دیگری اتفاق افتاد. زمانی که شاگردان از روح خدا پر شدند به زبانهای مختلفی شروع به سخن گفتن نمودند. خدا بدیشان قدرتی عطا نمود تا افکار خود را به زبانهایی که قبلا نمی شناختند بازگو کنند. یعنی " ذکر کبریایی خدا " (آیه ۱۱) البته شاگردان می دانستند که چه می گویند زیرا آنها شاهدان رستخیز مسیح بودند. بسیاری از حاضران در آن جمع از امت های دیگر بودند و شاگردان حداقل به ۱۶ زبان متفاوت سخن می گفتند. (آیه ۸)

هدف خدا از این معجزه و عطیه عجیب این بود که مردمی که تا قبل از این برای هم بیگانه بودند ، همدیگر را درک کنند. یهود دیگر تنها قومی نبود که خدا میان آن کار کند بلکه فیض خدا همه امت های بر روی زمین را در بر می گرفت تا انسان ها از همه امت ها با هم به صورت یک بدن و یک واحد زنده باشند.

۲) دورویی در میان شاگردان (اعمال ۵: ۱-۱۱)

در آن زمان مردم بسیاری با فیض خدا دعوت شدند تا به مسیح ایمان آورند و ایمان و محبت شان به زیبایی آشکار بود. آنان ثروت خود را می آوردند تا با همدیگر تقسیم کنند. بعضی از آنان زمین های خود را به این منظور می فروختند و شادی عظیمی در میان شاگردان بود. ولی با این وجود زوجی تصمیم گرفتند تا زمینشان را فروخته و بخشی از قیمت آن را به شاگردان بدهند در حالی که وانمود کنند همه قیمت زمین را داده اند (آیه ۲). این عمل بلافاصله مورد اعتراض و بازخواست قرار گرفته و پطرس دورویی آنها را برملا ساخت و هر دوی آنان بر روی زمین افتاده و مردند زیرا دست خدا آنها را تنبیه کرد. بنابراین از همان روزهای نخستین مسیحیت، فیض خدا به عنوان مبنای قدوسیت و راستی شناخته شده است زیرا که فیض نمی تواند دروغ و نا راستی را تحمل کند. بنابراین این یکی از موضوعات مهم به شمار می آید.

۳) خودخواهی در میان شاگردان (اعمال ۶: ۱-۷)

این موضوع به اندازه آنچه که در باب ۵ می بینیم مهم نمی باشد. با این وجود شروع کوچکی بود که می توانست به صورت خطرناکی گسترش یابد. روح خدا این موضوع را نادیده نگرفت. هلینستیان (یونانیان یهودی) شکایت می کردند که بیوه زنان ایشان از خدمات روزانه ای که از قرار معلوم توسط ایمانداران یهودی رسیدگی می شد، بی بهره می مانند. گلایه هایی که ممکن است بر مبنای حقیقت نباشند، چقدر راحت می توانند در میان ایمانداران دودستگی بوجود آورند.

با این وجود این مشکل به خوبی پایان داده شد. پس رسولان از شاگردان خواستند که هفت نفر نیک نام از میان خود انتخاب کرده تا آنها خدمت تقسیم غذا را بر عهده بگیرند. چه منظره زیبایی است زمانی که یهودیان اورشلیم از یهودیان یونانی خواستند تا آنان این خدمت را انجام دهند. نام های این گروه از شاگردان نشان می دهد که آنها یونانی بودند. در واقع یهودیان اورشلیم گفته اند: "اگر شما نمی توانید به ما اعتماد کنید، ما با خرسندی به شما اعتماد می کنیم." این یکی از زیباترین تأثیرات فیض می باشد و نتیجه آن بلافاصله آشکار شد "و کلام خدا ترقی نمود و عدد شاگردان در اورشلیم بغایت می افزود" (آیه ۷).

۴) اسرائیل، شهادت روح خدا را نمی پذیرد. (اعمال ۷)

استیفان که یکی از آن ۷ نفری بود که برای خدمت خوراک انتخاب شده بود توسط روح خدا هدایت شد تا آشکارترین شهادت را در مورد عیسی خداوند دهد. کاهنان یهودی به شدت با او مخالفت می ورزیدند و در

نهایت او را دستگیر کرده و به محکمه بردند. زمانی که مورد اتهام قرار گرفت با سخنان حیرت آوری آنها را پاسخ داد طوری که آنها نتوانستند مانع او شوند زیرا که خدا با او بود. او نشان دهد که چطور در طول تاریخ گذشتشان هر زمان که خدا به آنها نزدیک شده است آنان او را رد کرده اند. اکنون نیز با پذیرفتن مسیح اسرائیل ، عیسی خداوند اینکار را به اوج خود رسانیده اند. اما این شهادت وفادارانه او بر تلخی آنان افزود پس بر ضد او برخاسته او را به بیرون برده و تا حد مرگ سنگسار کردند. آنچه که در مرگ او دیده می شد سایه ای از ترس و غم نبود بلکه ایمان و محبتی بود که هر کس را باید تحت تأثیر قرار می داد زمانی که او دعا کرد: "خداوندا این گناه را بر آنان مگیر" (آیه ۶۰).

این هم یکی دیگر از نقاط سخت و تکان دهنده در کتاب اعمال رسولان می باشد. زمانی که مسیح بر روی زمین بود، پذیرفته نشد. هم اکنون نیز که از آسمان توسط روح القدس سخن می گوید ، قوم اسرائیل او را نمی پذیرند. همچنین شهادتی را که روح خدا در مورد عیسی خداوند می دهد ، رد می کنند. اکنون آنچه که به نظر می رسد این است که خدا قوم اسرائیل را کنار گذاشته و کلیسا جای آن را گرفته است تا شهادت مسیح را در همه جا اعلام نماید. ولی همچنان مسیح پذیرفته نمی شود. به همان گونه کلیسای مسیح پذیرفته نمی شود. با این وجود دلیلی برای دلسردی وجود ندارد زیرا ما نیز می توانیم آن شادی و خوشی را داشته باشیم که استیفان حتی در زیر شکنجه هایی که به خاطر نام مسیح متحمل شد، از دست نداد.

(۵) سامریان در کلیسا پذیرفته شدند. (اعمال ۸:۵-۱۷)

فیلپس یکی دیگر از آن هفت نفر ، به سامره رفت تا درباره مسیح موعظه کند که نتایج عالی و پربرکتی به همراه داشت. معمولاً یهودیان معاشرتی با سامریان نداشتند (یوحنا ۴:۹). ولی عیسی خداوند به آن زن سامری آب حیات را بخشید و فیلپس این محبت مسیح را پیروی می کرد. زمانی که رسولان در مورد فیض خدا در میان سامریان شنیدند ، پطرس و یوحنا به سامره رفته بر ایشان دست گذاشته و دعا کردند و شاگردان در آنجا روح القدس را یافتند. این یکی دیگر از تغییرات مهم بود زیرا سامریان نیز مانند ایمانداران یهودی در اورشلیم مورد قبول واقع شدند.

(۶) یهودی ای که به امت ها شهادت می دهد. (اعمال ۹:۱-۱۹)

سولس طرسوسی از دشمنان عیسی مسیح بود. او تصمیم داشت تا با آزار و اذیت و کشتن ایمانداران ، مسیحیت را از روی زمین محو سازد. ولی اراده خدا این بود که این شخص غیورترین مبشر انجیل عیسی خداوند باشد.

عیسی او را در راهی که به سوی دمشق برای دستگیری ایمانداران می رفت بازنگاهداشت. او به زیر آورده شد " لرزان و متحیر" تا بداند که براستی عیسی، پسر خداست. چه دگرگونی ای در وجود این شخص بوقوع پیوست! اما خدا او را در میان قوم خود اسرائیل نفرستاد بلکه او فرستاده شد تا امت ها را بشارت دهد(غلاطیان ۲:۲، ۸-۹). این نیز یکی از تحولات مهمی است که در روش های خدا می بینیم. ما نیز ممکن است تصور کنیم که بهتر است هر شخص در میان قوم خود بشارت دهد ولی همیشه اینگونه نمی باشد. این موضوع در مورد پطرس درست بود ولی برای پولس اینطور نبود. پولس برای خدمت خاصی دعوت شده بود تا کلیسای خدا یعنی جمیع ایمانداران چه یهود و چه غیر یهود که یک بدن را تشکیل می دهند، خدمت کند. آنچه که حائز اهمیت است این است که او به عنوان یک رسول یهودی می بایست این حقیقت را برای امت ها روشن ساخته تا آنان با هم در یک روح متحد شده، محبت خدا را به دنیا بشارت دهند.

۷) امت ها مورد استقبال کلیسای خدا قرار گرفتند. (اعمال ۱۰)

پولس اولین رسولی نبود که برای بشارت به امت ها انتخاب شده بود بلکه پطرس نیز این افتخار را داشت که به طور مخصوص رسول یهودیان باشد. ولی خدا می خواست تا او دریابد که در کلیسای خدا، ایمانداران یهودی از نظر مقام با امت ها برابرند. کرنیلیوس و پطرس، هر دو رؤیاهایی داشتند که نزد هم آمده و پطرس پیغام انجیل عیسی مسیح و فیض خدا را به او اعلام کند. او نیز این کار را انجام داد و زمانی که او در حال سخن گفتن بود، روح خدا بر همه کسانی که در منزل کرنیلیوس کلام را شنیدند، نازل شد (آیه ۴۴). این دلیل واضحی بود که پطرس بداند خدا امت ها را پذیرفته است تا در کلیسای خدا قرار بگیرند.

۸) تهدید برای پیروی از شریعت (اعمال باب ۱۵)

کلیسای تازه تأسیس شده خدا با شرایط دشوار دیگری مواجه شد. در زمانی که خدا در شهر انطاکیه کار می کرد تا غیر یهودیان را به سوی عیسی مسیح آیند و پولس برای این هدف تلاش می کرد، افرادی از یهودیه آمده و به ایمانداران غیر یهودی تعلیم می دادند که باید مانند یهودیان ختنه شوند تا نجات یابند. بنابراین پولس و چند نفر دیگر به اورشلیم رفتند تا با این موضوع مهم مقابله کنند. در آنجا کشیشان و رسولان جمع شدند و بعضی برخاسته و گفتند که باید سنن موسی را نگاه داشته و امت ها نیز ختنه شوند (آیه ۵).

پولس برخاسته و بدیشان همچون " برادران کذبه که ایشان را خفیه در آوردند (خفیه درآمدند تا آزادی ما را که در عیسی مسیح داریم ، جاسوسی کنند و تا ما را به بندگی در آورند.)" (غلاطیان ۴:۲) سخن گفت. پولس به تأییدی آشکار از سوی رسولان و کشیشان اورشلیم احتیاج داشت تا این مسئله خاتمه یابد. ولی خدا با بشارت پطرس و سخنان پولس و برنابا و با بیانیه یعقوب نشان داد که خود این موضوع را خاتمه داده است و دیگر هیچ غیر یهودی ملزم نبوده که شریعت را رعایت کرده و ختنه شود بلکه باید بیاد داشته: " از قربانی های بتها و خون و حیوانات خفه شده و زنا پرهیزید" (آیه ۲۹). آنگاه فیض خدا برآستی بر او آشکار شده و برکت خواهد یافت. ایمانداران غیر یهودی با شنیدن این موضوع دلگرم و خوشحال شدند.

خدا با فیض بی پایانش، کلیسا را بر مبنای پاکی و ایمان نهاده است. امروزه باید به همه اشخاص به طور مخصوصی ارزش قائل شویم و با ایمان و راستی برای ایشان بایستیم.